

روح حج



محمدتقی رهبر

اشاره

مقاله حاضر بخشی است از ترجمه کتاب «حقیقه الحج» نوشته «وحیدالدین خان» یکی از چهره‌های علمی و مسلمان هند که پاره‌ای از اسرار حج را به تصویر کشیده و با قلم «ظفرالاسلام خان» به عربی برگردان شده است. و اینک ما ترجمه دو فصل از آن؛ یعنی «روح حج» و «حج سازنده تاریخ» را با اندک تصرف و تلخیص در پاره‌ای موارد، تقدیم خوانندگان گرامی می‌داریم. به امید آن که مفید و شایان توجه باشد. «مترجم»

حج یکی از ارکان اساسی اسلام است، و روح و جوهره بنیادین آن، همانند دیگر عبادات، تقوا و پرهیزکاری است. با این امتیاز که حج از ویژگی خاص برخوردار است و عبادات دیگر فاقد چنین ویژگی هستند. ویژگی حج در اصل، به زندگانی پدر پیامبران، سرور ما ابراهیم خلیل علیه السلام پیوند خورده است.

هدف از حج این است که هر یک از بندگان خدا در صورت داشتن استطاعت، دست کم یک بار در طول زندگی به انجام آن توفیق یابند و با اعمال و مناسک و شعائر گوناگون، عبودیت و بندگی خود را به اثبات رسانند و بکوشند تا ظاهر و باطن خود را با صبغه ابراهیمی آراسته و با آیین حنیف وی پیوند دهند.

حضرت ابراهیم علیه السلام پس از بنای خانه کعبه صلاهی حج در داد تا مردم بیابند و خانه خدا را زیارت نموده، و حج گزارند. آهنگ حج در حقیقت پاسخی است به ندای ابراهیمی و آهنگ‌های «لَیْکَ اَللّٰهُمَّ لَیْکَ...» اجابت دعوت آن پیامبر عظیم الشان است.

به سخن دیگر: حج گزار با پاسخ به ندای ابراهیم علیه السلام آمده تا با انجام مناسک این حقیقت را مورد تأکید قرار دهد که برای تنفیذ و اجرای همه احکام الهی بطور کامل آمادگی دارد.

حج در لغت به معنای «قصد» و یا «زیارت» آمده و در اصطلاح شریعت اسلامی، شعار سالانه‌ای است که حاجیان با آهنگ مکه و طواف کعبه و حضور در عرفات و انجام سایر مناسک، به نمایش می‌گذارند. حج عبادتی است جامع که انفاق مال و رنج تن و ذکر خدا و قربانی در راه معبود را در بر دارد، عبادتی است که روح سایر عبادات را در چهره‌ای دیگر متجلی می‌سازد.

کانون انجام فرائض حج، خانه خدا و مکه مکرمه است. خانه‌ای که یاد آور حیات ایمانی و با شکوه گروهی از بهترین بندگان خدا است که در بستر زمین با آن زیستند.

این حیات ایمانی با تاریخ ابراهیم خلیل آغاز می‌گردد و به تاریخ پیامبر آخر الزمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌انجامد. خانه خدا به یاد ما می‌آورد که چگونه بنده خالص خدا با تمام آنچه در اختیار دارد در راه او باید فداکاری کند و قربانی دهد و چگونه زندگی خود را با خوشنودی خدای یگانه شکل دهد و چگونه نفس خود را در راه رسالت خداوندی تا لحظه‌ای که جان در کالبد دارد به تسخیر در آورد.

راهی به سوی خدا

حج راهی است که بندگان به سوی خدا می‌پویند، آخرین منزل قرب است که می‌توانند در این زندگی دنیوی بدان راه یابند. هر چند سایر عبادات نیز متضمن ذکر خداوند می‌باشند اما مرحله تقرب بنده به خدا در حج برتر و بالاتر است. آنگاه که حج گزار در برابر کعبه می‌ایستد ایمان دارد که در برابر پروردگار کعبه ایستاده است، طواف پیرامون کعبه، نمایانگر این حقیقت است که گویی، خدا را یافته و در پیرامون او طواف می‌کند، انسان که پروانه گرد شمع می‌گردد و آنگاه که حاجی «ملتزم»^۱ را در آغوش می‌گیرد و به دعا و تضرع می‌پردازد. گویی دامن صاحب خانه را گرفته و صاحبخانه بدو التفات و توجه نموده تا هر چه بنده در سویدای دل دارد



با او در میان بگذارد. آری، حج دارای این خواص و آثار است؛ زیرا شعائر آن در جایگاه مقدسی صورت می‌پذیرد که تجلیات الهیّه از عرش بر فرش نازل می‌شود؛ جایگاهی که خداوند آن را برای مرکزیت رسالت دینی خود و به رهبری بزرگترین داعی توحید و مظهر حیات پاک و عبودیت کامل حق؛ یعنی ابراهیم علیه السلام برگزید. این همان مکانی است که بر بستر آن حوادثی رخ داده که آن حوادث زمینه ساز درخشش تاریخ اسلام بوده است و دعوت بزرگترین منادی ربّانی، خاتم پیامبران، چهارده قرن قبل از آنجا منتشر گردیده است.

در پرتو این خصائص و وقایع است که دیار حرم اهمّیت فوق العاده‌ای کسب کرده و فضایی روحانی و تاریخی از نوع خاص خود در آن شکل گرفته است و کسی نیست که به زیارت کعبه بیاید مگر آن‌که کم‌وبیش تحت تأثیر عمق این فضای روحانی قرار گیرد و پس از حج با طهارت روح و پاکی نفس باز نمی‌گردد مگر آنکه از نهر زلال و زمزم معنوی آن شستشو کرده است. از این رو روایات، حج را به عنوان افضل عبادات توصیف می‌کند. این اهمیت به لحاظ روحی و فلسفه معنوی این حج است نه ظواهر آن به عبارت دیگر:

حج تنها این نیست که ما به دیار حرم برویم و بازگردیم، بلکه حقیقت حج برخوردار از آثار و دست آوردهایی است که حج به خاطر آن واجب گردیده است. بدین ترتیب حج بهترین عبادت است برای آن بنده‌ای که شعائر حج را با روح معنوی و با آداب صحیح بجای آورد. همانگونه که بهترین غذاها تنها با دیدن آن مایه نیرومندی تن نخواهد بود.

سرور عبادات

چنانکه گفتیم حج دیداری است با خداوند متعال، که در پرتو این دیدار حالات روحانی و ربّانی برای حج‌گزار حاصل می‌گردد و با تحمّل مشقّت‌های سفر و درک مقامات معنوی، چنین احساس می‌کند که از این دنیای مادی به جهانی الهی پر گشوده، چنانکه گویی خدا را مشاهده کرده و در پیرامون او طواف کرده و به سوی او سعی نموده و به خاطر او بار سفر بسته و در حضور او قربانی کرده و دشمنان او را رمی نموده و حوائج خود را از او مسألت کرده و به مشیت او، به حاجات خویش دست یافته است.

آری کعبه نشانه‌ای از نشانه‌های خدا در زمین است. در آنجا ارواح سرگشته انسانی فرود می‌آیند تا در ساحت قدسش قرار و آرام گیرند. در آنجا چشمه‌های زلال عبودیت از سینه‌های



سرسخت می‌جوشد. در آنجا دیدگان ظلمت زده، تجلیات خدا را مشاهده می‌کند. همه اینها برای کسی است که با آمادگی و هوشیاری کامل آهنگ حج کند؛ آنانکه دارای چنین آمادگی نباشند، حجتشان از یک سفر سیاحتی فراتر نمی‌رود، چنانکه رفته‌اند باز می‌گردند بدون اینکه کوچکترین تحولی یافته باشند.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «الحج عرفة» معنای این سخن آن است که حج قیام در عرفه و سرزمین عرفات است. از اینجا می‌توان دریافت که عرفات یکی از شعائر پراهمیت حج است. عرفات در موسم حج تصویری گویا از صحنه محشر است. در آنجا می‌بینیم که حاجیان از سرزمین‌های مختلف فوج فوج می‌آیند تا مراتب بندگی خود را به نمایش بگذارند. چه شگفت منظری است! همه بدن‌ها لباس ساده و بدون نام و نشان در بردارند. همه زبانها یک جمله را تکرار می‌کنند؛ «لَيْتِكَ اللَّهُمَّ لَيْتِكَ...». کسی که این صحنه را بنگرد متذکر این آیه قرآنی می‌شود که در تصویر قیامت است:

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ﴾^۱

«در صور دمیده شود و بندگان همه از گورها سر بر آورند و به سوی پروردگارشان شتاب گیرند.»

هدف از حضور در عرفات این است که بنده را به یاد روز محشر آورد؛ آن روز که در برابر پروردگار خود ایستاده و نظیر آنچه در قیامت رخ می‌دهد، در اینجا بر او می‌گذرد. آری حقیقت این است که حج را مفاهیمی است که آن را با ذات‌های خاص می‌توان شناخت و امتیاز حج در مقایسه با سایر عبادات امتیاز کعبه و مسجد الحرام بر سایر مساجد و اماکن است.

رسالت حج

حج چیست؟ حج ترک دیار و هجرت به سوی یار است، مقام وصل است که با تصفیة جان و رنج تن و بذل مال بدان می‌توان رسید، شعائر و مقاماتی است که با خاطره جاودان بندگان صالح خدا پیوند خورده. هریک از این شعائر تبلور عینی‌ای از تلاش و حرکت انسان برای خداوند و در راه رضای او است؛ زائر در طواف خود حقایق عالیة عالم را در فضایی به وسعت گیتی و عرصه‌گاه حیات انسان، محور حرکت خویش می‌سازد. با اولیای خدا از سر صدق دست وفاداری می‌دهد و از دشمنان خدا برائت می‌جوید و پوشیدن لباس احرام و حضور در عرفات و



خشوع و تذلل، یاد محشر را تداعی می‌کند. با ذکر و خشیت خداوندی دمساز می‌شود و در راه انجام رسالت خویش و سپردن میراث معنوی اسلام به نسلها و عصرهای آینده و گسترش آن به صحنهٔ گیتی قرار و آرام به خود راه نمی‌دهد هر چند حج به حسب ظاهر در زمان و مکانی خاص انجام می‌شود اما در حقیقت جلوه‌ای است که حیات ایمانی انسان را در کل هستی به نمایش می‌گذارد و اعترافی است که بندگی خدا را تا آخرین لحظه‌های حیات به تصویر می‌کشد.

حج، سازندهٔ تاریخ

یکی از ابعاد ویژهٔ حج این است که به یک طرح بزرگ الهی وابسته است. طرحی که از دوران ابراهیم بنیان نهاده شد و با بعثت محمد ﷺ تکمیل گردید و مناسک حج مراحل این طرح الهی است که حج‌کننده به صورت رمز آن را تکرار می‌کند. حج گزار از وطن خود بار سفر به سوی حجاز می‌بندد؛ آنگونه که ابراهیم از عراق راهی حجاز شد. حاجی از لباس‌های معمولی هنگام احرام خارج می‌شود و دو قطعه پارچهٔ ساده در بر می‌کند؛ همانند لباسهایی که ابراهیم و اسماعیل در بر می‌کردند و چون به مکه می‌رسد و به طواف خانه می‌پردازد به ابراهیم و اسماعیل تاسی می‌کند و عهد و میثاق الهی را مورد تأکید قرار می‌دهد و چون میان صفا و مروه هفت بار سعی می‌کند، عهد سعی هاجر را میان این دو کوه یاد می‌آورد که در آن صحرای سوزان در طلب آب بود و چون به منا می‌رود و قربانی می‌کند، به صورت رمز، قربانی کردن ابراهیم عليه السلام را تجدید می‌نماید که برای ذبح فرزندش آماده شد و خداوند گوسفندی از بهشت برای وی فرا فرستاد و چون عازم جمرات می‌شود تا شیطان را رمی کند، عمل اسماعیل را تکرار می‌کند که شیطان را رمی کرد؛ آنگاه که در پی اغوا و گمراه ساختن او بود. و آنگاه که همهٔ حاجیان در عرصهٔ عرفات اجتماع می‌کنند و آخرین لبیک‌های خود را بر زبان می‌رانند، در آن منطقه باز و گسترده با خدای خود به صورت جمعی عهد می‌بندند که در حیات اجتماعی و گروهی به یاری هم بشتابند و در جهت آرمانهای مشترک اسلامی، همگام باشند و به راه و روش صالحانی تاسی جویند که حج تذکاری از خاطرات معنوی آنهاست.

قرآن مناسک حج را «شعائر» نامیده؛ یعنی «نشانه‌ها»، این شعائر عبارتند از آنچه ابراهیم و خاندانش در راستای پیاده کردن آن طرح الهی، که بدان اشارت رفت، عمل کردند و حج‌گزار



این شعائر را به صورت رمز از آن طلایه داران توحید تقلید می‌کند و با خدای خود عهد می‌بندد که - هر چند در روزگار واپسین آمده است - او نیز جزئی از این تاریخ باشد.

حج کننده با خدای خود عهد می‌بندد که هر گاه احساس نیاز شود او نیز زندگی موجود خود را فدا خواهد کرد تا به حق نزدیک شود و از راحت و رفاه چشم پوشیده و قناعت و ساده زیستی را شعار ساخته و برای خدا سعی و تلاش نموده و چون پروانه بر گرد شمع توحید بگردد و تقلید و پیروی شیاطین را رمی نموده و دین خدا را محور حرکت خویش ساخته و در برابر آنچه پیشرفت و عظمت دین اقتضا کند سر تسلیم فرود آورد.

حاجی به زبان حال و قال چنین می‌گوید: اگر ضرورت ایجاب کرد آمادگی دارد به خاطر این دین پذیرای هر نوع حادثه و رنجی باشد که یک انسان توان تحمل آن را دارد؛ یعنی حاضر می‌شود فرزند خود را در راه جلب خشنودی خداوند قربان کند.

هجرت ابراهیم از عراق به سوی مکه و وقایعی که در آنجا رخ داد، یک طرح عظیم و گرانبدر الهی بود که حدود دو هزار و پانصد سال قبل از «ظهور اسلام» آغاز گردید.

خلاصه این طرح این بود که شرک قرن‌ها بر اندیشه بشری سایه افکنده تا بدانجا که هیچیک از شاخه‌های زندگی بشر از تأثیر شرک مصون نمانده بود. نتیجه آن که تسلسل فکری شرک، طول قرن‌های پیایی ادامه یافته و هر نوزادی در این برهه تاریخ چشم به جهان می‌گشود با اندیشه شرک متولد می‌گردد و با آن نشو و نما می‌یافت و بدین جهت بود که ندای پیامبران به دعوت توحید در آنها تأثیر قابل ذکری نداشت.

خداوند متعال در سرزمین مکه طرحی افکند تا نسل جدیدی از انسان‌ها پدید آیند که از تأثیرات محیط شرک دور باشند و به طور آزاد و خارج از فضای تسلسل فکری شرک بیندیشند. مناسب ترین نقطه برای این هدف سرزمینی بود که از آن فضای فکری دور مانده و انسان‌های مشرک در آنجا حضور نداشته باشد. برای این منظور مناسب‌ترین نقطه، سرزمین عرب بادیه نشین بود که در جهان آن روز بریده و در فضایی بسته می‌زیستند و از فکر و فرهنگ حاکم آن عصر مصون مانده بودند. آری این سرزمین خشک و سوزان برای این هدف برگزیده شد.

انسان نخستین که برای ایجاد نسل جدید در این نقطه بیابانی تفتیده، برگزیده می‌شود باید که با درک این مطلب که زندگی خود را باید به بهای ماندن در آنجا فدا کند، آمادگی



سکونت در آنجا را داشته باشد. در همان سرزمین بود که ابراهیم خواب دید که فرزندش اسماعیل را سر می برد. هدف از این واقعه تأکید بر این مطلب بود که اگر ابراهیم آمادگی دارد که جزئی از تاریخ و این طرح الهی باشد، باید تا بدانجا ایستادگی کند که خاندان خود را در نقطه‌ای که جز کوههای تفتیده و بیابانهای پر رمل وجود ندارد اسکان دهد؛ زیرا سکونت در حجاز در آن زمان هم ردیف با سکونت در وادی مرگ بود.

حجاز در گذشته تاریخ، قابل سکونت نبود؛ زیرا آب و گیاه نداشت و به همین دلیل از آثار تمدن شرک خالی بود و همین ویژگی بود که حجاز را برای پی افکندن نسلی نو از موحدان آماده می ساخت.

در هر حال آنگاه که ابراهیم کارد بر گلوی فرزندش می نهاد چنین اعلام می داشت که برای چنین قربانی به طور کامل آماده است بدینسان ابراهیم و اسماعیل برای آن طرح الهی برگزیده شدند و اسکان اسماعیل و مادرش در آن منطقه دور افتاده نقطه آغازین این حرکت و ایجاد نسل جدید بود. در همان زمان بود که حضرت ابراهیم علیه السلام دست به دعا برداشت و از خداوند خواست که پیامبری از نسل اسماعیل را در این سرزمین و در میان ساکنان آن برانگیزد. بالاخره با تولد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله این دعا به اجابت رسید اما چنانکه می دانیم آن دعا تا ولادت پیامبر ۲۵۰۰ سال فاصله داشت. دلیل این تأخیر و فاصله این بود که نسل جدید در این برهه زمانی آماده شود تا به دور از قلمرو شرک آن عصر بیندیشد و شایستگی آن را پیدا کند که در کنار آن پیامبر قرار گیرد و او را در تکمیل رسالت یاری دهد. بدین سبب این مجموعه به بهترین امت موسوم گردید. امتی که شگفت‌ترین امت در تاریخ است.

درست است که در آغاز رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله گروهی از اینان به دشمنی با او برخاستند اما در عین حال هنگامی که حقیقت امر را شناختند و حقیقت را دریافتند با تمام توان در کنار او ایستادند و یاری‌اش کردند.

هر چند بر نسلی که در مکه پدید آمد، در زمان‌های بعدی عوامل شرک نیز تأثیر گذاشت، اما در حقیقت این نسل، نسلی پاک بود که جز پاره‌ای از افراد کوتاه فکر آن بر فطرت سالم می زیستند. پاره‌ای از افراد این نسل رو در روی پیامبر ایستادند اما این از روی جهل و نادانی بود و آنگاه که فهمیدند محمد صلی الله علیه و آله به حق فرستاده خدا است و دین او دین حق است، دشمنی‌شان جای خود را به دوستی داد و برای آن حضرت یارانی شدند که از بدل آنچه در

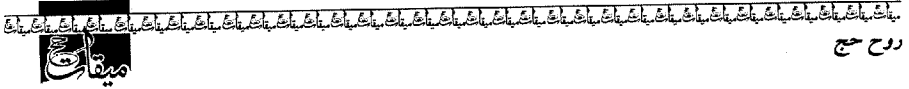
توش و توان داشتند، در راه استقرار آیینش، دریغ نکردند.

ویژگی نسلی که ابراهیم - با رمز ذبح فرزندش - پی افکند این بود که به اشیاء با دیده مستقل و آزاد می نگریست و در امکان وی بود که به امثال این حقیقت اعتراف کند. برای بیان این مطلب که این نسل کفایت و شایستگی کامل را در اعتراف به حقیقت داشت چند مثال می آوریم:

نخستین مثال در مورد گروهی است که به مجرد اعلام رسالت و معرفت آن، بی درنگ بدان ایمان آوردند. مثال دوم در مورد کسانی است که در آغاز به انکار رسالت پرداختند اما همینکه حقیقت را فهمیدند بدان معترف شدند:

۱ - خالد بن سعید بن عاص از نخستین کسانی بود که به پیامبر خدا مؤمن شد. خالد در یکی از روزها به محضر پیامبر خدا آمد و گفت: ای محمد، به چه چیز دعوت می کنی؟ فرمود: ایمان به خدای یگانه ای که شریک ندارد و این که محمد پیامبر و بنده خدا است و این که از پرستش سنگهایی که نمی شنوند و نمی بینند و سود و زیانی نمی رسانند و نمی دانند چه کسی آنها را پرستش کرده و یا نکرده است اعراض و دوری کنی. خالد با شنیدن این سخنان بلا فاصله گفت: شهادت می دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست و این که تو فرستاده خدایی. پیامبر از اسلام آوردن وی خرسند شد و خالد مرخص گردید، همین که پدرش «ابو صیحه» از اسلام آوردن او مطلع شد سایر فرزندان او و رافع غلام خود را فرستاد تا خالد را نزدش آوردند. پدر او را به شدت نکوهش و سرزنش کرد و با چوبدستی که در دست داشت بر سر او کوفت، تا آن را خرد کرد. سپس گفت: آیا از محمد پیروی کرده ای در حالی که می دانی او با قوم تو به مخالفت برخاسته و به خدایانشان بدگویی کرده و پدرانشان را نادان خوانده است؟! خالد در پاسخ پدر گفت: به خدا سوگند او راست می گوید و من او را پیروی می کنم، در حالی که محمد صلی الله علیه و آله سخن حق می گوید چگونه می توانم به رسالت او مؤمن و معترف نباشم.^۳

۲ - مثال دیگر در باره سهیل بن عمرو است که نماینده دشمنان اسلام در صلح حدیبیه بود. هنگامی که پس از گفتگوی طولانی عهدنامه را تنظیم کردند، پیامبر اکرم چنین املا فرمود: «این است چیزی که محمد فرستاده خدا درباره آن داوری نموده است». سهیل به شدت اعتراض کرد و گفت: به خدا اگر ما می دانستیم که تو فرستاده خدایی تو را از زیارت خانه خدا مانع نمی شدیم و با تو نبرد نمی کردیم.



تاریخ به ما نشان می‌دهد که سهیل بن عمرو در دعوی خود کاملاً صادق بود و تنها از روی جهل و نا آگاهی با اسلام معارضه می‌کرد. اما هنگامی که دریافت پیامبر در رسالت خود صادق است، به آن حضرت ایمان آورد و تمام زندگی خود را در خدمت اسلام نهاد. به گواهی تاریخ سهیل پس از رحلت پیامبر ﷺ نیز در موضع صدق پا برجا بود و هنگامی که قریش می‌خواستند راه ارتداد پیمایند او پایداری خود را به ثبوت رسانید.

رجعت تاریخ شرک

بار دیگر زمان به عقب برگشته و همانند عصر ابراهیم که شرک بر اندیشه بشر حکم فرما بود، امروز کفر و الحاد بر اندیشه جهانی سیطره یافته و اگر در گذشته انسان در قالب شرک می‌اندیشید امروز در قالب الحاد فکر می‌کند. حقیقت اینست که ماجرای عصر کنونی همان ماجرای اعصار پیشین است با این تفاوت که آن روز شرک حاکم بود و امروزه الحاد. و مهمترین وظیفه اسلامی امروز در هم کوبیدن این تفکر الحادی است و ناگزیر باید حمله‌ای دیگر با همان راه و روش پیشین علیه کفر و الحاد آغاز گردد. و باید گروهی دیگر برای قربان شدن مهیا گردند و باید گروهی دیگر فرزندان خود را در صحرا اسکان دهند تا تاریخ را تجدید کنند و همانگونه که پایان دادن به نسل شرک قربانی می‌طلبید امروز نیز برای خاتمه دادن به دوره الحاد قربانی نمایند. «حج مبرور» حجتی است که با این ایده و آرمان و اراده و تصمیم در سرزمین مقدس انجام شود.

حقیقت این است که عمل حج‌گزار پس از پایان گرفتن اعمال و مناسک حج خاتمه نمی‌یابد بلکه پایان حج آغاز کار این سفر است با اهمیتی افزون‌تر. و حج‌کننده همواره این کلمات را باید بر زبان داشته باشد: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» مفهوم این کلمات چیست؟ اینها کلماتی است که از عهد بنده با خدای خود سخن می‌گوید، معاهده‌ای که پایان ندارد؛ همچنانکه عبادت حج. بنابراین کسی که از مراسم حج باز می‌گردد، پیمانی با خدای خود بسته و برگشته است و بر اوست که رویه خود را با دوران قبل از حج تغییر دهد و عملی را بی‌آغازد که با دوران جدید و عهدی که با خدای بسته همسو باشد. بازگشت از حج بازگشتی است همراه با عهد و پیمان و عمل به مقتضای آن با مسؤولیتی سنگین‌تر و تعهدی بیشتر.

معاهده حج چیست؟ تصمیم بر اعاده تاریخ و آمادگی برای تجدید حیات ابراهیمی.



همانگونه که ابراهیم مردم عراق را در حال احتضار دید که گوش به سخن او در دعوت توحید و معاد نمی‌دهند طرحی نو در افکند و خود و خاندانش را برای دشوارترین قربانی فدا کرد و نسلی نو پی‌نهاد. همچنین بر یک مسلمان واجب است که امروزه با آنچه وضعیت زمان اقتضا می‌کند، بپاخیزد و با صبر و شکیبایی این تجربه را دنبال کند تا به هدف برسد و یا مرگ را استقبال نماید.

در عهد ابراهیم شرک بر افکار جهانی سایه افکن بود و امروزه الحاد حاکم است و بازگشتگان از حج باید برای پایان دادن به عصر الحاد و احیایی عصر توحید بکوشند و از اسوه ابراهیمی در این نبرد جدید الهام بگیرند و از هر نوع قربانی که این نهضت ابراهیمی می‌طلبد دریغ نوزند و آن قربانی رمزی را به فداکاری حقیقی و عملی تبدیل نمایند. که اینست مفهوم حج؛ یعنی اعاده تاریخ در قالب رمز.

پی‌نوشتها:

۱- میان حجرالاسود و درب خانه کعبه را ملتزم گویند و دعا در آن نقطه، به اجابت نزدیک است.

۲- یس: ۵۱

۳- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۴۴